

سیمای جامعه اسلامی

در قیاس با برخی

دکتر سعید
ابوالقاسمی
فخری

آیات قرآنی

و حق مطاوعت و بندگی آن است که دیگر سخنی به میان نیاید و کمر همت تنها به اتیان تعبد بسته شود. زیرا همان علیم مطلق فرموده است: *و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون*^۲ و به پیامبر خود ارائه طریق نموده است که *فان حاجوك فقل اسلمت وجهي لله و من اتبعن...^۵* یا آیاتی مثل آیه ۶۶ سوره مبارکه غافر.

منظور از سیمای جامعه اسلامی، مراد از سیمای هر جامعه ای، در حقیقت، مجموع اجمالی خصائصی است که در مراجعه به جامعه، با آنها مواجه می شویم، باید مد نظر داشت که خصائص نظری مورد انتظار از جامعه اسلامی، ویژگیهای جهت دار و حساب شده ای هستند که همه در ظل جهان بینی خاص الهی یعنی جهان بینی توحیدی و بر وفق مضامین آیات قرآنی تدوین گشته و جملگی همچون مقدمات یا مقارنات یا تعقیباتی در بجای آورده شدن هر چه

بررسی همه خاصه های جامعه اسلامی با تعریف قرآنی آن است، و نه مقایسه و مناظره همه اجزاء و مؤلفه های جامعه اسلامی با اجزاء و مؤلفه های جوامع دیگر؛ بلکه مروری گذرا و بازگویی برخی از وجوه امتیاز بسیار شاخصی است که دل هر طالب حق تذکر پذیری می تواند بر مزیت، اهمیت و ارزش آنها گواهی دهد. بهر حال امیدوارم بذل توجه و عنایت بیشتر مخاطبین، مجبر ضعف و نقص گفتار گوینده باشد. جا دارد در این مقام از تنزل و تنزیلی که تقوه این حقیر بر اصل مطلب روا می دارد، استغفار و استعاضه نمایم، چه اینکه وقتی خلاق منزل احسن الحدیث فرمود: *ان الدین عند الله الاسلام...^۲* و یا بعد از تسجیل امر ولایت با یادآوری اکمال دین و اتمام نعمت فرمود: و رضیت لکم الاسلام دیناً^۳ زیننده تر

مقدمتاً باید خاطر نشان ساخت که بیان برخی از موضوعات، بگونه ای که بتواند با دقت و صراحت کافی، ظرائف و جزئیات امر را نشان دهد، کاری است بسیار مشکل، که علت عمده آن را باید در مضمون عبارت قرآنی *وما اوتیتم من العلم الا قليلاً^۱* جست. ترسیم و تبیین سیمای کامل جامعه اسلامی و قرآنی نیز در مجموع از همین رشته است و حتی بحث و مقابله جامعه متوجه از *ارشادات* و *تعلیم و تربیت قرآنی* با جوامع موجود را نیز باید از جمله این موضوعات بشمار آورد. زیرا نقد و بررسی مستدل و جوه اتفاق و افتراق آنها از دیدگاههای مختلف، کار بسیار وسیع و پردامنه ای است که مستلزم مجال فوق العاده و تلاش بسیار سنگینی می باشد. اما اگر شیوه محاسبه و تجزیه و تحلیل مسئله، مناسب انتخاب شود، چه بسا بتوان سیمای اجمالی امتهات قضایا را تا حدودی تبیین نمود. با ملاحظه نکات بالا آنچه در این نوشته مدنظر قرار گرفته است، نه

کاملتر تکلیف جامع تعبد، نقش بازی می کنند و با هماهنگی شایان توجهی هدف تعالی بخشیدن به انسان را دنبال می نمایند.^۶

در زیر، پس از بیان تعریفی اجمالی برای جامعه اسلامی و مطلبی در تعیین جایگاه معنوی آن، اجمالاً به چند خصیصه از خصائص پیشماری که برای چنین جامعه ای می توان منظور نمود، اشاره کرده سعی خواهد شد یکی دو تا از برجسته ترین و کلیدی ترین آنها مورد مذاقه بیشتر قرار گیرد.

جامعه اسلامی و جایگاه معنوی آن
تعریف اجمالی زیر را می توانیم از هر جامعه ای بخاطر داشته باشیم:

جامعه ترکیب خاصی از انسانهاست که با سلسله روابط یا صفات ویژه ای با هم دیگر مرتبطند و جامعه اسلامی در واقع جامعه ای خواهد بود که روابط و مقررات و ارزش ها و بینش های جاری در آن، از کتاب و مکتب قرآن اتخاذ شده باشد. شاید اولین خصیصه ای که از هر جامعه ای می توان مد نظر قرار داد، مکان و موقعیت جامعه در اینجا جامعه اسلامی به اعتبار وجهه معنوی آن است. اگر در مثل، جوامع مختلف به شهرهائی تشبیه شوند، علاوه بر دقت روی کم و کیف راهها و کوچه ها و ابنیه و تجهیزات و روابط و مقررات جاری در این شهرها،

در جامعه قرآنی و اسلامی، عالم هستی و انسانها عبث و بازیچه آفریده نشده اند، بلکه رجعت به پیشگاه خلاق متعال برای حسابرسی دقیق و عادلانه جزئیات و کلیات عملکردها وجود دارد که خدای کریم فرمود: انا نحن نحيي و نميت و الينا المصير

می توان به موقعیت عمومی جغرافیائی، اقلیمی، تاریخی و... شهر نیز عنایت داشت. و احیاناً بطور خلاصه و جمع بندی ارزش مقایسه ای شهر را نیز نسبت به چند شهر معروف دیگر مورد توجه قرار داد، تا شنونده مجموعاً تصویر ذهنی گویائی از شهر مورد نظر داشته باشد. بی مناسبت نیست که در بیان خصائص و بررسی مشروح مولفه های سازنده جامعه اسلامی و یا هر جامعه دیگر نیز، علاوه بر ریز ویژگیها و در کنار تجزیه و تحلیل هر مورد، عطف توجهی به موقعیت عمومی آن نیز بنمائیم، و مخصوصاً بینیم کتاب این مکتب در این باره چه می گوید.

قرآن کریم در جاهای متعددی مبادرت به تبیین این مطلب کرده و از احوال پیشینیان و اقوام سلف گزارش داده و در بعضی جاها مثلاً سوره مبارکه شعرا بطور متوالی از آغاز و انجام کار قوم های مختلف یاد کرده و بطرز بدیع و تنبیه آور و آموزنده ای رموس خصائص و موقعیت عام جوامع گذشته را بازگو می فرماید. و من حیث المجموع هدف از خلقت و ارسال رسل و تشکیل امم را در جنب خصائص هلاکت باری که در میان آنها پدیدار و فرجام کار آنان را به تبار و بدبختی مبدل ساخت، افشاء می کند. نظیر آیات ۲۴ و ۲۵ سوره مبارکه احقاف که در پایان

می فرماید: ... فاصبحوا لا يرى الآساکنهم... از مجموعه چنین آیاتی بخوبی استنباط می شود که قوم پیامبر آخر الزمان، خلف چه اسلافی است و سابقه کارش چه بوده و جایگاه و موقعیت معنوی او چیست .

در سوره مبارکه آل عمران وقتی در مقام ذکر امتیاز امت اسلامی سخن می گوید، می فرماید: کنتم خیر امة اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله...^۶ که در عین حال جایگاه معنوی جامعه را بیان می نماید .

وجهه ای از تمایز این موقعیت عام را می توان در تعبیراتی نظیر آیه کریمه^۷ زیر و امثال آن مشاهده کرد: تلك امة قد خلت لها ما كسبت و لكم ما كسبتم و لا تسئلون عما كانوا يعملون^۸ لاجرم از آیات و احادیث و روایات متعددی که می توان جایگاه معنوی جامعه اسلامی را از آنها استنباط نمود چنین برمی آید که:

اگرچه جوامع مختلفی خواسته اند و می خواهند خودشان را عمدتاً با داشتن قدرت من اشد متاقوة^۹ و توان مالی، یا نفرات و نیروی انسانی، یا چیرگی بر طبیعت و پیشرفتگی در دانش طبیعی و عمران هر چه بیشتر مسکن و ماوای فیزیکی و دنیوی، و یا سلطه جوئی های اقتصادی و نظامی و خلاصه با اثبات

حیوة الدنيا مهم و مقتدر و خود کفا و راه یافته قلمداد کنند و به داشتن همین ها می بالند و به این جهات با دیده اهمیت می نگرند، اما در بینش اسلامی، درستی موقعیت و امتیاز جامعه اساساً روی محور دیگری محور ایمان به خدای تعالی، عبادت، پیروی از احکام الهی، سلم شدن در برابر ارادة الله، اهتمام به حبل الله و... که از آنها به صراط مستقیم تعبیر شده است، سنجیده می شود. آن هم چه سنجشی!!

به قرینه آیات کریمه ای نظیر:
زین للذین کفروا الحیوة الدنيا و یسخرن من الذین آمنوا... واللّه یرزق من یشاء بغير حساب^{۱۰} یا ولقد مکناهم فیما ان مکناکم فیه... فما اضنی عنهم... من شیء اذ کانوا یجحدون بآیات الله...^{۱۱} یا فاما من طفی و اثر الحیوة الدنيا فانّ الجحیم هی الماوی و اما من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی فانّ الجنة هی الماوی^{۱۲}

و در چنین محوری است که ولایت الله تبارک و تعالی محقق، و اخراج از ظلمات به نور و نصرت الهی جاری، و پیشرفتگی و تعالی حقیقی یا حقیقت انسان محرز و حتمی است. و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین^{۱۳} انا لنتصرر سلناو الذین آمنوا فی الحیوة الدنيا و یوم یقوم الاشهاد^{۱۴}

به عبارت دیگر نظام ارزشی مستقل اسلام، محور ایمان و پیروی از احکام الهی و میزان تقوی و تقرب را در کانون توجه خود دارد: ان اکرمکم عندالله اتقکم نه محورهای قدرت، ثروت و سایر ارزش های اعتباری را. برای توضیح این نکته، از یک بیان تشبیهی بهره گرفته سه محور اصلی برای نظام های ارزشی متداول در بین انسانها و جوامع انسانی در نظر می گیریم، و آن سه محور را با سه محور مختصات طول، عرض و ارتفاع تطبیق می کنیم؛ بدین نحو که محور طول، نماینده انواع قدرتها و توان های این جهان مادی دنیوی. محور عرض نماینده دانش تحصیل همان توانها و نیل به چنین قدرت ها، و بالاخره محور سوم ارتفاع بیانگر بعد الهی و کمالات معنوی و تقرب به مقام کبریائی معبود یعنی دیانت و اطاعت از حق باشد. جایگاه معنوی افراد و جوامع مختلف را می توان در فضای تعیین شده با چنین سه محوری بیان نمود قرائن و شواهد عدیده از آیات و احادیث نشان می دهد که در بینش اسلامی و در فرهنگ و شیوة قرآنی ارزش اول به این بعد سوم تعلق می گیرد. جهت اصلی در تعیین موقعیت و ارزیابی سیر تکاملی انسان فرداً و جمعا بعنوان خلیفة الله، این جهت تعالی می باشد الیه یصعد الکلم

الطيب و العمل الصالح یرضعه. ۱۶
همین جهتی که شاید مسیر حرکت
جوهری مرحوم صدر المتالیهین
رانیز در بر می گیرد؛ و بزرگان دین
و معرفت، درجات و مراتبی برای
آن بیان نموده اند، و امر هدایت در
این امتداد محقق می شود. و حق
مطلب این است که زبان قاصر
بنده، توان تشریح آن را ندارد و باید
آن را از ارشادات قرآنی دریافت.

به نظرمی رسد جایگاه جامعه
اسلامی در فضای بیان شده، حول
همان محور تعالی و هدایت است،
من کان یرید العزۃ فلله العزۃ
جمیعاً... صدرآیه فوق الذکر، و نه حول
محور مادیات و دانش آن؛ اگرچه
داشتن عرض و طولی مناسب قدرت و...
برای احراز ارتفاع شایسته لازم
باشد. بیانات روشنگر حضرت امام
رهبره سرمد که خطاب به دانشجویان و
طلاب ایراد فرمودند و اظهار داشتند
که انبیاء آمدند تا انسان را الهی
کنند... و دانش و دانشمندان بدون
داشتن این بعد، مفید که نیست مضر
هم هست، موافق و موید چنین
تقسیم بندی می تواند باشد.

نظری به برخی دیگر از خصائص

جامعه اسلامی

اینک بی مناسبت نیست اشاره ای
به پاره ای از خصائص جامعه ای
بنماییم که جایگاه معنوی آن، روی
چنان محوری محور دیانت و تقرب به کمال
مطلق قرار گرفته، کتابش قرآن و

مکتبش اسلام و مولی و ناصرش،
الله تبارک و تعالی بوده باشد و از
مقابله اجمالی آنها با ویژگیهای
جوامع غیر الهی و غیر دینی متکی
بر افکار و اندیشه های خطاکار و
دانش ناقص و محدود بشری،
وجوه عمده تمایز و تفاوت بین آن
دو را مرور کرده باشیم تا به قرینه،
این جایگاه متعالی بهتر تبیین
شود. ۱۷

۱- در جامعه قرآنی و اسلامی،
عالم هستی و انسانها عبث و
بازیچه آفریده نشده اند، بلکه
رجعت به پیشگاه خلاق متعال برای
حسابرسی دقیق و عادلانه جزئیات
و کلیات عملکردها وجود دارد که
خدای کریم فرمود: **أَنَا نَحْنُ نَحْمِي**
و نَمِيت و الینا المصیر ۱۸ و این در
حالی است که خدای تبارک و تعالی
پس از دستور انذار به یوم الآزفه
خود را **یعلم خائبة الاعین و ما**
تخفی الصدور و یقضی بالحق ۱۹
معرفی می کند و ذات اقدس اله
می فرماید: **أَنَا كُنَّا نَسْتَسْخِمْ مَا كُنْتُمْ**
تعملون ۲۰ و... اما در جوامع دیگر،
زبان حال و عمل، نبود این اعتقاد را
می رساند و گویا باور چنان است
که هر کس و هر گروه و هر جامعه
ای زیرک تر بود، هدف و مسیر و
اجرت را او تعیین خواهد کرد و
زبان حالشان اینک:

... ما هی **الاحیائنا الدنیا**
نموت و نحیا و ما یهلکنا الا
الدمر... ۲۱ یا... **ان هی الا حیائنا**

به عبارتی دیگر در
جامعه و بینش
اسلامی، فلاح
جامعه در تزکیه
و ایمان آحاد آن
است نه استعلا
و استیلا و کسانی
که نفس کریمه
خود را دس کنند
مورد سرزنش
و نکوهش هستند.

۲- در اولی، عالم از آن خدا و محضر خداست و نباید در محضر خدا معصیت کرد و نباید در ملک خدا دخل و تصرف غیر مجاز نمود. انسانها در قبال هر عملی از کوچک و بزرگ مسئولند. از آب و وضو گرفته تا خوراک و پوشاک و هر مصرف دیگر حق ندارند اسراف و تبذیر نمایند و حق ندارند از وظائف فردی و اجتماعی مدون سرباز بزنند و خدای نکرده به هر نوع حقوق دیگران تعرض کنند و در بیان کلی، آزادی انسان مشروط و مقید به شرایطی فطری و اصولی لازم الرعایه است که برای تضمین و تأمین حیات شایسته انسانها ضرورت دارد. به تعبیر امام (ره) آزادی در پناه قرآن. اما در تیره دوم از جوامع، محدودیت و شرط و شروطی هم اگر هست، شرط و شروط و محدودیت یک پهلو و منبعث از نگرش هوی پرستانه و غرض آلود و دانش ناقص بشری است.^{۲۳}

۳- مکتب و دستور کار جامعه قرآنی و اسلامی از ناحیه کسی ارائه شده که نه تنها جان انسانها را می شناسد بلکه خالق جانهاست *الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی^{۲۴}* و او این جانها را از باب رحمت کتب *علی نفسه الرّحمة* مخاطب قرار داده از موضع *لو علم المدبرون کیف اشتیاقی بهم لمتواشوقا* حدیث

ندسی، راهشان را نشان می دهد و در خط فطرت تمشیتشان می دهد، در حالیکه دیگری یا خالصاً محصول خواسته ها و تمنیات مشوه انسانهاست و یا اگر مایه هائی از احکام و دستورات اصیل هم دارد، چنان در طول تاریخ مورد تحریف قرار گرفته که اساساً تغییر ماهیت داده است.

۴- کتاب جامعه اسلامی، ندای *اقمن شرح الله صدره للاسلام وهو هلی نور من ربه ...^{۲۵}*

سر می دهد و از فرط صراحت ادامه سخن را حذف می نماید و بدین نحو شرح صدر و نور الهی را ارزش و کمال قلمداد می کند، و در جای دیگر، شایستگی متابعت از هادی *الی الحق را جنان بدهی و فطرتاً مقبول می شمارد که در مقام محاجه و استیضاح می فرماید:*

اقمن یهدی الی الحق احق ان یتبع امن لایهدی الا ان یهدی فما لکم کیف تحکمون^{۲۶}

و جای دیگر با استیضاح های متعددی چون: *فاین تلهبون^{۲۷}* و یا *ایها الانسان ما ضرک بریک الکریم^{۲۸}* و ... اصرار دارد که انسان و جوامع انسانی رو بسوی هدایت واقعی بنهد^{۲۹}، زیرا در مجموع، شرط اساسی برای ساختن یک جامعه خوب را اصلاح شدگی و هدایت یافتگی آحاد آن می داند. و بدین ترتیب چیزی که در این کتاب و این مکتب ارزش و اهمیت اصلی را

داراست نفس کریمه انسانی است، طوری که *من احیا نفساً فکانما احیا الناس جميعاً* در حالی که دیگری زرق و برق و ثروت و زخارف دنیوی را به حساب می آورد و آن را *ملاک برتری* و اگر شد، ابزار زورگویی و ستمگری قرار می دهد. به عبارتی دیگر در جامعه و بینش اسلامی، فلاح جامعه در تزکیه و ایمان آحاد آن است نه استعلا و استیلا. و کسانی که نفس کریمه خود را دس کنند در مورد سرزنش و نکوهش هستند. در حالی که جوامع دیگر اظهار می دارند که ما را به این کارها چکار؟!

۵- در حالی که جهت عمومی حرکت و پیشرفت در یک جامعه اسلامی، جهت کسب و افزایش فضائل انسانی و مطاوعت از حق بوده، همگان در صف واحد مکلف به تعاون و مشارکت در این حرکت هستند، سمت کلی تکاپوهای جوامع غیر دینی، توسعه در بعد مادیات و جهان فیزیکی است. اما: امروزه بر اهل نظر پوشیده نیست که سرمنشاء مشکلات عظیم و پیچیده جوامع بشری، عمدتاً فزون طلبی ها و زیاده رویها و مصرف گراییهای کسانی است که *حب دنیا دید تنگشان را کور کرده ... لهم اصین لایبصرون بها ...* و از عالم هستی، تنها همین دنیای مادی را می بینند و در عمل، منکر روزی هستند که *... والأمر یومئذ لله ...*

این گروه با حرصی بی پایان، حرث و نسل را ددمنشانه طمعاً خود قرار داده هلاک می گرداند و به همه چیز دست اندازی می نماید. پیروان این حرکت که سابقه طولانی در تاریخ بشریت دارند، یکی از فسادهایی که به بار می آورند این است که هادیان راستین و منجیان واقعی بشریت را با تعبیرات اتهام آمیزی نظیر *یرید ان یتفضّل علیکم تخطئه می کنند* و از کار آنان جلوگیری می نمایند، و سعی در انحراف راه الهی دارند... *الذین یصدّون عن سبیل اللّٰه ویبغونها عوجاً... و سیمای جامعه اسلامی، مبراً از چنین عناصری است.*

ع حرکت جامعه اسلامی روی خط ولایت است و به استناد آیات کریمه قرآن، خط ولایت در جامعه اسلامی بسیار روشن و در رأس آن ذات اقدس اله است که در اصل، ولایت حقیقی و قطعی او را جلّ شأنه با هیچ چیز نمی توان جایگزین نمود: *... وما لکم من دون اللّٰه من ولیّ ولا نصیر*^{۲۰} و در قدم بعد، حضرت رسول اکرم *صلی الله علیه و آله و سلم* و مؤمنانی هستند که در حال نماز و به حالت رکوع زکوة دادند، که مشخصاً حضرت علی بن ابی طالب و خاندان عصمت و طهارت *علیهم السلام* هستند را می رساند (به استناد آیه کریمه سوره مائده).

اگر به منظور تصریح و توضیح بیشتر، الگو و نمونه ای هم برای

خط مشی جامعه اسلامی خواسته شود، قرآن کریم روئے حضرت ابراهیم *علیه السلام*^{۲۱} و حضرت رسول اکرم *صلی الله علیه و آله و سلم* را معرفی می نماید:

لقد کان لکم فی رسول اللّٰه اسوة حسنة لمن کان یرجوا اللّٰه والیوم الآخر و ذکر اللّٰه کثیراً^{۲۲}

و به قرینه آیات عدیده ای که در این باب است، امت و آحاد جامعه اسلامی را اجازه نیست که غیر از خدا و اولیاء او و مؤمنین و صالحین، شیطان و اذنب و اولیاء او را از کافرین، ظالمین و کسانی که دین جامعه اسلامی را تحقیر نمایند و باز یچسه بپندارند، به ولایت برگزینند و خط آنان را دنبال کنند و یا از آنان حمایت نمایند. زیرا خدای تعالی با صراحت اعلان می دارد:

... مالکم من دونه من ولیّ ولا شفیع افلا تذکرون^{۲۳} اساساً جامعه اسلامی آگاه است که: *... وانّ الظالمین بعضهم اولیاء بعض والّٰه ولیّ المتّقین*^{۲۴} و همین طور جامعه اسلامی می داند که همه نیازها و نیاز مندیهایش تنها به الله تبارک و تعالی است: *یا ایها النّاس انتم الفقراء الی اللّٰه واللّٰه هو الغنیّ الحمید*^{۲۵} و بنا بر این هیچ توجیهی برای احساس و اظهار وابستگی به این و آن و تبعیت از خط دیگران پذیرفتنی نیست. به عبارتی دیگر جامعه اسلامی و افراد مؤمن تنها همان بینش و نگرش و ارزش گذاری را که اولیاء *علیهم السلام* نسبت به امور ریز و درشت دنیوی

و اخروی داشته اند، دارند. و نصب العینشان رهنمودهای قرآنی نظیر آیات زیر است که ریشه های بی نیازی و استقلال و شکوفائی و پیشرفت را تحکیم و تقویت می نماید:

ما عندکم ینفد وما عند اللّٰه باق ولنجزینّ الذّٰین صبروا اجرهم باحسن ما کانوا یعملون^{۲۶} یا:

الیس اللّٰه بکاف عبده ویخوفونک بالذّٰین من دونه ومن یضلل اللّٰه فما له من هاد^{۲۷} صدق اللّٰه العلیّ العظیم

۱-سوره بنی اسرائیل، آیه ۸۵

۲-سوره آل عمران، آیه ۱۹

۳-سوره مائده، آیه ۳

۴-سوره ذاریات، آیه ۵۶

۵-سوره آل عمران، آیه ۲۰

۶- لازم به تاکید است که آنچه در اینجا مورد نظر ماست، خصوصیات و محاسن و سجایای نظری جامعه اسلامی قرآنی یعنی خصائص مستخرج از کتاب و مکتب نورانی اسلام است بما هو هو. فلذا طبعاً هر ایراد و اشکال و عیبی را که در مسلمانی ما باشد باید در جای دیگر مورد بحث قرار داد و اگر چنین اشکال و ضعفی در کار هست، که هست، و جوامع اسلامی هرگز نتوانسته اند کاملاً خود را از زیر بار تأثرات و تحمیلات گوناگون و فشارهای فرهنگی و فکری، بعبارت دیگر از ناخالصیها و اگر دگیها، رها

کرده، در عمل برنامه زندگی فردی و اجتماعی خود را بطور کاملاً مستقل با موازین و الگوهای خاص کتاب و مکتب همسو کنند، شرافتمندانه و صادقانه و متعهدانه باید به تصحیح آنها اقدام نمود. چنانکه بحمدالله در آرمان نظام مقدس و نهضت اسلامی ما چنین است.

۷- سوره آل عمران، آیه ۱۱۰

۸- سوره بقره، آیه ۱۳۴

۹- سوره فصلت، آیه ۱۵

۱۰- سوره بقره، آیه ۲۱۲

۱۱- سوره احقاف، آیه ۲۶

۱۲- سوره نازعات، آیات ۳۷ الی ۴۱

۱۳- سوره نساء، آیه ۶۹

۱۴- سوره غافر، آیه ۵۱

۱۵- نمونه ای از آیات مؤید این معنا، آیات ۳۱ تا ۳۵ سوره مبارکه زخرف، و چهار آیه آخر سوره مبارکه فصلت است.

۱۶- سوره فاطر، آیه ۱۰

۱۷- گفتن این نکته ضروری است که مشروح چنین مقابله ای باید میرا از افراط و تفریط صورت پذیرد. یعنی در حسابرسی و ارزیابی عملکرد سایر مکاتب و جوامع نه احساسات و تعصب زاید رواست و نه مفتون و مرعوب شدن در قبال اولین جلوه گریهای صوری.

بلکه رویه حق جوینان و آگاهی عمیق نسبت به کم و کیف امر عظیم خلقت و جدی گرفتن اهداف بلند هستی و اندیشیدن به پاسخ این سؤال، ضرورتی اجتناب ناپذیر است که: «فحسبتم انما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لاترجعون». (سوره مومنون، آیه ۱۱۵) در حاشیه باید متذکر شد که پیمودن چنین راه حق طلبانه در حسابرسی آثار

و عملکرد و عوارض فرهنگ ها و جوامع منقطع از تعالیم الهی و آسمانی، کار هر مدعی بلبل صفت اسپر و مدهوش از جلوه ظاهری و زودگذر شاخصار محسوسات نتواند بود، بلکه عقابان بلند همت و تیز بینی می خواهد که از آشیانه بلند حق جویی به پرواز در آیند و راه عروج و معراج برگزینند تا بخوبی دشت و جنگل و دریا را زیر سیطره بصیرت خویش قسار دهند و صواب را از ناصواب و مطلوب را از مطرود و باقی را از فانی تشخیص و تمیز دهند. و بتوانند به سرچشمه زلالی برسند که پیدایش جمله دشت و دریا از اوست.

۱۸- سوره ق، آیه ۴۳

۱۹- سوره مؤمن، آیه ۱۹

۲۰- سوره جاهیه، آیه ۲۹

۲۱- سوره جاهیه، آیه ۲۴

۲۲- سوره انعام، آیه ۲۹، آیات قبل و بعد مخصوصاً آیات ۲۲ و ۲۳ نیز مصداق عرائض است.

۲۳- البته آثار و نتایج قضاحت باری هم به این وضعیت مترتب می گردد. بعنوان نمونه وضع اسفبار جوامع اروپایی که مهد آزادی کذائی هستند و به تعبیر پرمغز مقام معظم رهبری (بشریت پای در گل) قابل مطالعه می باشد. و شاید شنیده باشید که اخیراً شهردار واشنگتن (شهری که حتی در بین خود مردم آمریکا به پایتخت قتل - Murder capi of the world! مشهور است) برای کنترل قتلها در این شهر از گارد ملی کمک خواسته بود! و آمار جنایات نشان می دهد که تعداد قتل های سالانه در آمریکا بیش از کشتارهای جنگ ویتنام است!

۲۴- طه، ۵۰

۲۵- سوره زمر، آیه ۲۲

۲۶- سوره یونس، آیه ۳۵

۲۷- سوره تکویر، آیه ۲۶

۲۸- سوره انفطار، آیه ۶

۲۹- واضح است که چنین احتجاج و استیضاحی از پشتوانه بسیار عظیم ولایتناهی (حق) بهره مند است فلذا نقض شدنی نخواهد بود. و باید پرسید جامعه ای که کتاب و مکتبش چنین کلماتی را دارد و روی آوردن به درگاه کمال مطلق را وسیله تزکیه نفس و تصحیح خلق و خوی و ناظم امور فردی و اجتماعی و سیر به سوی کمال معرفی کند کجا و حوامعی که آرمان تکامل بشر را تقویت و توسعه مادیت فانی می پندارند کجا؟ این چنین جامعه ای به کجا می رود و آن یکی به کجا؟ از این چه می ترواد و از آن چه؟

۳۰- سوره شوری، آیه ۳۱

۳۱- سوره ممتحنه، آیه ۴

۳۲- سوره احزاب، آیه ۲۱

۳۳- سوره سجده، آیه ۴

۳۴- سوره جاهیه، آیه ۱۹

۳۵- سوره فاطر، آیه ۱۵

۳۶- سوره نحل، آیه ۹۶

۳۷- سوره زمر، آیه ۳۶



پرو، شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی